

چشم انداز بحران اقتصادی جهان تا سال ۲۰۱۰

ندا بشیری (دانشجوی دکتری اقتصاد بین الملل)

طی سال آینده دو سال یا نهایتاً سه سال آینده محقق خواهد شد. حتی بدبین ترین تحلیلگران مالی هم بر این عقیده بودند که رشد اقتصادی، از دست رفته به نظر می رسد. مصرف کنندگان کمتر قادر به پرداخت بدهی خود می شوند، در محیط کسب و کار سرمایه گذاری صورت نمی گیرد، و بازارهای خارجی به طور عمیق تری در کساد فرو رفته اند. در چنین دورانی هرگونه رشدی تنها با محرک های درست انجام خواهد گرفت بدین صورت که پولی صرف کند و باعث گردش موجود کالا شود؛ اما تمام این اقدامات هم فاکتورهای موقتی است که پس از مدت کوتاهی کم رنگ می شود. بنابراین رشد اقتصادی از کجا خواهد آمد؟

در این میان تعداد کمی از پیش بینی کنندگان یک دوره رشد شدید را در اقتصاد پس از این بحران انتظار دارند. مانند یک تیر و کمان؛

یک بحران دیگر در حال حدوث می باشد؟ برای داشتن تصویری از بحران صنعت املاک آمریکا نیواورلئان را تصور کنید که در اثر طوفان کاترینا تخریب شده و حتی قبل از اینکه آبها فروبکشد طوفان دوم پیش آمد.

تعداد ۱/۱۲۰/۰۰۰ شغلی که در مشاغل خرد در حال از بین رفتن بود؛ سیگنالی را برای مرحله دوم بحران نشان می داد، اما نه بحران در سطح صنعت املاک بلکه اینبار کل اقتصاد آمریکا.

اقتصاد در آمریکا در چند ماه آینده رشد خواهد کرد و بیشتر اقتصاددانها بر این امر توافق دارند اما شاید این پیش بینی بهبودی برای میلیون ها فردی که شغلشان را از دست دادند نداشته باشد، آنهایی که کسب و کارشان یا منزل هایشان را باختند. به اعتقاد بسیاری از متخصصین امور مالی بهبود بدترین بحران اقتصادی طی چند سال اخیر، بالاخره

اقتصاددان‌ها و مردم عادی به بهبود وضع بحران به دو گونه متفاوت نگاه می‌کنند. برای یک اقتصاددان، ترمیم بحران شامل تغییر در جهت یک خط یا منحنی از سمت پائین به سمت بالاست اما برای بیشتر مردم عادی ترمیم بحران یعنی به وجود شرایطی در حال حاضر که شباهت کامل به دوره قبل از بحران داشته باشد.

به این زودی نخواهد داشت و میانگین رشد برای سال ۲۰۱۰ در حدود ۱/۹ برآورد و پیش‌بینی می‌گردد. البته این آمار طبق آخرین مشاهدات آماری ماهیانه در Blue chip است البته به این نتایج باید بهبود ضعیف وضعیت بیکاری‌های ناشی از بحران را هم اضافه کرد.

بعضی از پیش‌بینی‌کنندگان هم انتظار دارند که اقتصاد تا پایان سال بعد به نرخ رشد بلند مدت خود که در حدود ۲/۵ تا ۳ درصد می‌باشد، برسد.

پیش‌بینی‌های اقتصادی حاکی است که روند رشد تا پایان امسال به روند خود باز خواهد گشت و کمیته Federal Open Market هم پیش‌بینی کرده است که دامنه رشد اقتصادی ۲/۵ تا ۳/۳ درصد تا پایان سال بعد خواهد رسید. اما ۱۰ نهادی که خوشبین‌ترین پیش‌بینی‌ها را داشته‌اند رشد ۲/۸ درصدی را در سال ۲۰۱۰ تخمین زده‌اند.

که هر چه بیشتر به طرف خود می‌کشید سریعتر می‌رود، یعنی یک دوره آرامش بعد از بحران به همراه رشد اقتصادی، اگرچه موضوع این تئوری است، ولی برخی عقیده دارند، هر قدر بحران سخت‌تر و طولانی‌تر می‌شود، دوران پس از آن نیز برای جبران روزهای سخت‌تری خواهد بود.

مثلاً اقتصاددان Goldman sach آقای اد مک کلوی (Ed Mckelvey) جز اولین کسانی بود که به این تئوری تیر و کمان شک کرد.

تیر و کمان طرحی در گذشته بوده است بدین صورت که بحران شدید به وسیله یک رشد قوی تعقیب می‌شود. به عبارت دیگر پس از هر بحرانی، رشدی شدید می‌آید. در ۴ دوره فصلی بعد از بحران ۱۹۸۲ رشد اقتصادی به ۷/۷ درصد رسید که بیش از ۲ برابر میانگین بلند مدت رشد اقتصادی بوده البته الان هیچ فردی انتظار رشد هفت درصدی را



ضربه سخت:

Ken my land رئیس بخش اقتصاد clear view economics خوش بینانه ترین پیش بینی را دارد که رشدی برابر ۳/۴ درصد را برای سال آینده برآورد می کند. اما او نیز با تمام خوش بینی اش می گوید که به هر حال این ضربه سختی بوده است. او رشد نسبتاً کم و ملایمی را برای مصرف، ساخت مجدد کالاها؛ انگیزه های

حکومتی و خانه سازی پیش بینی می کند. پیش بینی میلند که تقریباً از لجوج ترین اقتصاددان های وال استریت است نیز حتی بر کاهش بسیار ملایم نرخ بیکاری دلالت دارد او می گوید برای کاهش نرخ بیکاری شما به رشدی بالاتر از این پیش بینی ها احتیاج دارید.

اقتصاددان ها و مردم عادی به بهبود وضع بحران به دو گونه متفاوت نگاه می کنند. برای یک اقتصاددان، ترمیم بحران شامل تغییر در جهت یک خط یا منحنی از سمت پائین به سمت بالاست اما برای بیشتر مردم عادی ترمیم بحران یعنی به وجود شرایطی در حال حاضر که شباهت کامل به دوره قبل از بحران داشته باشد. یعنی آنها در زمان

کنونی دقیقاً بتوانند مانند زمان قبل از اصابت بحران؛ از لحاظ اقتصادی زندگی نمایند. بنابراین اگر چه یک بهبود کوچک برای اقتصاددانها گامی برای ترمیم یا Recovery محسوب می شود اما مردم عادی تا وقتی که شرایط گذشته و مشاغل از دست رفته شان را بازیابند، ترمیم بحران را احساس نخواهند کرد.

پس برای مردم ترمیم سالها به طول خواهد انجامید پس عامه مردم در آمریکا عقیده دارند که ترمیم کامل بحران یعنی رشد روان اقتصادی به همراه نرخ بسیار پائین بیکاری که ۵ تا ۶ سال هم به طول می انجامد.

مک کلوی از گلدمن ساچ در صحبت هایی که بسیار از پیش بینی های میدلند دور است، گفته که نرخ رشد اقتصادی تا پایان سال آینده تنها ۲ درصد خواهد بود به گفته خودش، مهمترین خطر بالقوه این قضیه هم این است که پیش بینی او بسیار آفتابی بوده باشد! از نیروهایی که معمولاً اقتصاد را از کساد بیرون می کشد تنها یک عامل و آنهم ایجاد انگیزه و محرک های حکومتی است که کار می کند و بقیه عوامل در حالت ایستایی قرار دارند.

اقتصاد در آمریکا در چند ماه آینده رشد خواهد کرد و بیشتر اقتصاددانها بر این امر توافق دارند اما شاید این پیش بینی بهبودی برای میلیون ها فردی که شغلشان را از دست دادند نداشته باشد، آنهایی که کسب و کارشان یا منزل هایشان را باختند.

مصرف کنندگان رغبتی به خرید ندارند و کالاهای بادوام را خریداری نمی کنند و خود را طی دوران رکودی از خرید محروم می کنند. در عوض آنها به دنبال بالا بردن پس اندازهای خود بوده و تنها برای مخارج بسیار ضروری پول می پردازند.



که در رفتار اقتصادی ایالات متحده شکل گرفته است. ■ چهارمین عامل نیز که تولید کالا می باشد در حال حاضر نیمه جانی را به اقتصاد آمریکا می بخشد. تقریباً تمام اقتصاددانان می دانند که چگونه فرآیند گردش موجودی کالا به صورت قدرتمند یعنی پر و خالی شدن انبار کارخانه ها نشان از تولید و فروش و درآمد زایی می دهد و هنگامی که پتانسیل ها برای یک رشد در فصل بعدی یا دو فصل دیگر می بینیم؛ متوجه می شویم که شرکتها محصولاتشان را در پاسخ به نقدشوندگی موجودی کالا افزایش خواهند داد و این نشان می دهد که اقتصاد تا سال ۲۰۱۰ برای شروع ترمیم تاب خواهد آورد. ■ بسیاری از آیتام هان نیز قدرت ترمیم را ملایم می کند دوگ المندورف Doug Elmendorf رئیس دفتر بودجه کنگره آمریکا در گفته های اخیرش به این موارد اشاره کرده بود. صاحبان املاک و خانه مقدار عظیمی از ارزش املاکشان را از دست داده اند، بانکها ضعیف و شکننده شده اند، سایر اقتصادها در بقیه نقاط دنیا ضعیف شده و تعداد زیادی خانه خالی و کارخانه بیکار به وجود آمده است که تنها به وسیله ایجاد انگیزه و القای اعتماد به مصرف کنندگان، اقتصاد آمریکا بر این مشکلات چیره خواهد شد.

منبع: Washington bureau of MarketWatch.

همانطور که مک کلوی می گوید؛ سه عامل رشد یا به طور کلی غایب است یا بسیار ضعیف شده است؛

■ مصرف کنندگان رغبتی به خرید ندارند و کالاهای بادوام را خریداری نمی کنند و خود را طی دوران رکودی از خرید محروم می کنند. در عوض آنها به دنبال بالا بردن پس اندازهای خود بوده و تنها برای مخارج بسیار ضروری پول می پردازند؛ مواردی مانند درصد بازنشستگی، پرداخت های کوچک، کالج فرزندان، تعطیلات و تلویزیون، پس پولی خرج خرید کالا نشده و پس اندازی هم به سمت سرمایه گذاری نمی رود. ■ سرمایه گذاری در صنعت خانه سازی بسیار کند رشد می کند و این در حالی است که تعداد خانه های خالی از سکنه بسیار رشد کرده و تعداد زیادی خانه نیز به دلیل عدم توانایی در پرداخت وام مصادره شده است. ■ مشاغل و کسب و کارها، کارگران را به کندی استخدام می کنند و تحت چنین فشاری و رقابت شدیدی که برای ادامه بقاء شکل گرفته است؛ آنها سعی در افزایش تولید با همین نیروی کار در دسترس دارند یا کارگران فصلی را استخدام می کنند و تمایلی برای داشتن نیروی کار دائمی ندارند.

در اینجا بنا به گفته مک کلوی می توان گفت که این تغییر پایداری است